

نگاه هفته

گمانه‌زنی‌ها درباره نشست دوحه ادامه دارد

مخالفت آمریکا و کانادا با فریز نفتی



سعیده شفیعی
پژوهشگر اقتصادی

● نوسانات هفته گذشته قیمت نفت عمدتاً متأثر از گمانه‌زنی‌ها درخصوص نشست دوحه بود که با منتشرشدن اخبار مثبت درباره نیل به این توافق، قیمت نفت افزایش یافت اما در پایان هفته با انتشار خبر افزایش تولید نفت عراق این افزایش خنثی شد. درمجموع قیمت سه شاخص عمده نفت خام در هفته گذشته در همان محدوده ۳۵ تا ۴۰ دلار هفته قبل باقی ماند. اگرچه روسیه و برخی تولیدکنندگان حوزه خلیج‌فارس دستیابی به توافق را در جهت برقراری ثبات در بازار ضروری می‌دانند اما کانادا و آمریکا اعلام کرده‌اند به افزایش تولید خود در شرایط کنونی ادامه خواهند داد.

سه شاخص اصلی قیمت‌های نفت

قیمت نفت «برنت دریای شمال» در آغازین ساعات روز جمعه هشتم آوریل با ۱۷ سنت کاهش به ۳۹ دلار و ۴۳ سنت رسید. شاخص «نفت وست‌تگزاس اینترمیدیت» (WTI) در همین روز ۳۷ دلار و ۲۶ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل هشت سنت افت نشان می‌دهد. همچنین بنا بر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) – که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است– در پایان روز پنجشنبه هفتم آوریل در سطح ۴۳ دلار و ۹۳ سنت تثبیت شد که ۴۰ سنت نسبت به هفته قبل پایین‌تر است.

گمانه‌زنی‌ها درباره نشست دوحه

با نزدیک‌شدن به زمان برگزاری نشست دوحه (۱۷ آوریل)، گمانه‌زنی‌ها درخصوص موفقیت یا عدم موفقیت این نشست افزایش یافته است. برخی کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند در صورت ایجاد توافق بر سر عدم افزایش تولید نفت بین تولیدکنندگان، قیمت نفت تا سطح ۵۰ دلار در هر بشکه افزایش خواهد یافت. منابع روسی نیز به نقل از مقامات این کشور عنوان کرده‌اند که سطح قیمتی ۴۵ تا ۵۰ دلار از نظر این تولیدکننده عمده نفت و گاز مطلوب بوده و در این صورت بازار به ثبات دست خواهد یافت. از دیگرسوی آمریکا و کانادا اعلام کرده‌اند به این طرح نخواهند پیوست و تولید خود را کاهش نمی‌دهند. این دو کشور به‌عنوان مهم‌ترین کشورها در تولید نفت از منابع غیرمتعارف مطرح هستند و افزایش تولید از این منابع می‌تواند قیمت نفت را در سطوح پایین نگه دارد.

افزایش واردات نفت هند و تایوان از ایران

بنا بر گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از منابع هندی، این کشور درصدد افزایش واردات نفت از ایران در شرایط پسانتحریم است. بر اساس این گزارش، قرار است از ابتدای ماه آوریل، هند روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت خام از ایران به‌منظور تأمین نیاز پالایشی خود خریداری کند که این رقم بیشترین میزان طی هفت‌سال گذشته محسوب می‌شود. همچنین به گزارش خبرگزاری شانا به نقل از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، مدیرکل دفتر بازرگانی تایوان در امارات در نامه‌ای از افزایش ۲۷ درصدی خرید نفت تایوان از ۱۱ میلیون بشکه به ۱۴ میلیون بشکه در سال جاری میلادی خبر داد.

رشد ذخایر استراتژیک کشورهای صنعتی

بنا بر گزارش خبرگزاری شانا، میزان ذخایر استراتژیک کشورهای صنعتی (موسوم به OECD) ازهزارو ۳۵۱ میلیون بشکه در ژانویه ۲۰۱۵ به هزارو ۴۹۱ میلیون بشکه در ژانویه سال جاری میلادی افزایش یافته است. ذخایر استراتژیک نفت خام در این کشورها پس از شوک‌های قیمتی دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت و هدف از ایجاد آن، استفاده از نفت ذخیره‌شده در شرایط استراتژیک است.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسپات هنری هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به هشتم آوریل، با اندکی رشد نسبت به هفته قبل در سطح یک دلار و ۹۶ سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) ثابت باقی ماند.

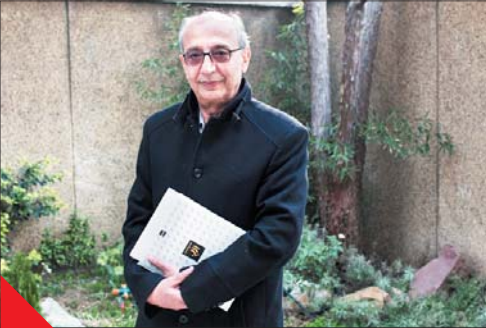


اقتصاد

هشدار زنوز در گفت وگو با «شرق» در باره خطر جدی روی کار آمدن دوباره پوپولیسم:

باید به احمدی‌نژاد جایزه داد

پدیده پوپولیسم به کرات در آمریکای لاتین رخ داده و در ایران هم الگوی محرز آن رئیس دولت های نهم و دهم است



عکس: رفیقه رستنی، شرق

علل مختلفی در مورد کاهش نابرابری مطرح شده است. یکی از این عوامل می‌تواند اشتباه نمونه‌گیر باشد. یعنی ثروتمندترین افراد تمایلی به ذکر واقعیت نداشته باشند یا کمتر در پاسخ‌دهی شرکت کرده باشند. بنابراین این اتفاق می‌تواند رخ داده باشد. بخشی از بهبود درآمدهم می‌تواند ناشی از توزیع یارانه نقدی در پایان سال ۸۹ به این طرف باشد. بررسی‌هایی که انجام دادم، نشان می‌داد توزیع یارانه نقدی بر ۳۰ درصد جامعه شهری و ۷۰ درصد جامعه روستایی اثر مثبتی داشته است. به این معنی که توزیع درآمد در شهر و روستا را بهبود بخشیده منتها در طول زمان، میزان یارانه ثابت مانده اما مقدار واقعی یارانه نسبت به تورم کاهش پیدا کرده و می‌توان انتظار بازگشتی را به سمت نابرابری بیشتر داشته باشیم. اما واقعیت خیلی مهمی که معمولاً در این تحلیل‌ها مفقود است، این است که میانگین درآمد یا میانگین هزینه خانوار چه تحولی داشته است؟ نکته درخور توجه این است که در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۲ (۸۴ تا ۹۰ مصادف با رونق نفتی بوده) از سال ۸۶ به بعد مخارج واقعی خانوارها سیر نزولی داشته است. یعنی خانوارهای ایرانی از سال ۸۶ تا ۹۲ کاهش سطح درآمد را تجربه کرده‌اند. بنابراین با داده‌های متناقضی سروکار داریم. تجربه به ما می‌گوید وقتی درآمد خانوارها به‌طور میانگین کاهش پیدا می‌کند، نابرابری افزایش پیدا می‌کند اما آمارها نشان می‌دهد نابرابری کاهش پیدا کرده است.

اما عامل یارانه‌ها از سال ۸۹ به بعد اثر دارد. چه چیزی باعث می‌شود از ۸۶ تا ۸۸ ضمن اینکه هزینه خانوارها کم می‌شود، نابرابری هم کم شود؟

احتمالاً باید اشتباهی وجود داشته باشد. به طور شفاهی صحبت‌هایی شده اما به‌طور مستند کاری انجام نشده است. با مطالعه بودجه خانوارهای شهری و روستایی مشخص می‌شود دهک‌های بالای درآمدی در شهرها مصرف کالاهای لوکس‌شان به قیمت ثابت از سال ۸۶ به این‌سو، کاهش پیدا کرده است. باید درنظر داشت مصرف به قیمت اسمی ممکن است بالا رفته باشد،

اما شاخص قیمت در محاسبات به قیمت ثابت سال پایه محاسبه می‌شود که اثر تورم را بر همه گروه‌ها یکسان تلقی می‌کند، درحالی‌که قیمت کالاهای لوکس در این سال‌ها بسیار بیشتر با افزایش روبه‌رو بوده است. همچنین ضریب جینی باید براساس دهک‌بندی درآمدها باشد، اما در محاسبه ضریب جینی، «هزینه» جایگزین «درآمد» شده است. به همین دلیل ضریب جینی دچار اشکال می‌شود، زیرا اطلاعات مبتنی بر درآمد، فاقد صحت و اعتبار است. از طرفی چون ضریب جینی متکی بر هزینه است و هزینه دهک‌های بالایی از سال ۸۶ به این سو به میزان قابل توجهی کاهش یافته، زیرا دهک‌های بالایی پس‌انداز بیشتری هم دارند، این امر سبب شده تا ضریب جینی در محاسبات بهبود پیدا کند و نابرابری کمتر از واقعیت نشان داده شود. در مورد فقر دو مفهوم وجود دارد که باید روشن شود. فقر مطلق و فقر نسبی. برای اینکه فقر مطلق تعیین شود یک سبد هزینه را برای حداقل‌های مسکن، آموزش، غذا، بهداشت و... در نظر می‌گیرند و بودجه لازم را برای آنها محاسبه و بعد تعیین می‌کنند چه خانوارهایی زیر خط فقر هستند و چه میزان بالاتر. پس مفهوم خط فقر مطلق را اگر بیان کنیم، با محاسباتی که آقای مدیری می‌کند، سه دهک پایین دچار فقر مطلق هستند و با محاسبات آقای راغفر چهار دهک پایین دچار فقر مطلق هستند. اما براساس فقر نسبی همه خانوارهایی که درآمد یا هزینه‌شان کمتر از یک دوم درآمد خانوار میانه است فقیر محسوب می‌شوند. براساس محاسبات من، فقر نسبی حدود همان ۳۰ درصد است. در مقیاس خرد و کلان برای این‌ا اتفاق دلایلی را می‌توان ذکر کرد. در مقیاس خرد، باید ببینیم چه کسانی فقیر هستند. افراد بیکار و مسن فقیر هستند. خانوارهایی که سرپرست زن دارند فقیر هستند. فقر با سواد نسبت معکوس دارد. افراد کم‌سوادتر بیشتر دچار فقر هستند. فقر با بی‌کاری رابطه مستقیم دارد. افراد بیکارتر، فقیرتر هستند. پس خصوصیات اجتماعی و اقتصادی معینی درون فقر هستند و اینها را می‌توان با هم تطبیق داد. در سطح کلان اگر بخواهیم حساب کنیم، عوامل دیگری مطرح می‌شود. یکی بحث تورم است. تورم روی فقرا اثر منفی دارد. چون در اثر تورم، دستمزدهای واقعی معمولاً پایین می‌آید. عموماً کسانی که در گروه‌های درآمدی پایین‌تر هستند متکی به درآمدهای حاصل از دستمزد هستند. اگر مرزها نسبت به تورم بالا نرود افراد حقوق‌بگیر وضع معیشتی‌شان مختل می‌شود. در بیش از سه دهه اخیر شاهد تورم بالا بودیم. تورم بالا در جهت نابرابرترشدن توزیع درآمد عمل می‌کند. دومین نکته‌ای که در سطح کلان مطرح است، مسئله رشد اقتصادی است. در کشورهایی که رشد اقتصادی بالاتر دارند، توزیع درآمد بهبود پیدا می‌کند و تعداد زیادی از افراد فرصت پیدا می‌کنند مشاغل جدیدی به دست بیاورند و از زیر خط فقر بالا بیایند.

ادامه در صفحه ۱۵

اقتصاد سبز

کشاورزان خرده‌پا و لزوم حمایت از آنان



فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● تعریف کشاورز خرده‌پا یا مزرعه کوچک‌مقیاس در کشورهای مختلف براساس معیارهای متفاوتی صورت می‌گیرد و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. آدامز و بزدل (۱۹۷۲) کشاورز خرده‌پا را افرادی تعریف می‌کنند که دسترسی بسیار کمی به قدرت سیاسی و دارایی‌های مولد یا جریان درآمدی جامعه دارند. واینهام (۱۹۷۹) مزرعه کوچک‌مقیاس را یک تولیدکننده کشاورز می‌داند که هیچ کنترلی بر زمین نداشته و با نیروی کار غیردائم خانوادگی می‌تواند کشت و زرع نماید. استین وینکل (۱۹۷۹) تعریف کشاورز خرده‌پا را شامل تمام افرادی می‌داند که در مناطق روستایی در کشورهای درحال‌توسعه ساکن بوده و ابزارهایی برای فراهم‌سازی نیازهای اولیه خود نداشته و در شرایط «ترس مداوم اردست‌دادن و زیان» به سر می‌برند. عناصر کلیدی این تعاریف بر امرار معاش، کم‌درآمدی و کم‌سودای استوار است. مزراع کوچک‌مقیاس به‌عنوان واحدهای خانگی شناخته شده که بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مدیریتی آن از قبیل نیروی کار و سرمایه توسط خانواده صورت می‌گیرد. از آنجا‌که خانواده و واحد مزرعه یکسان هستند، تخصیص نیروی کار و سرمایه به زندگی خانوادگی و مزرعه توانمان با هم صورت می‌گیرد. با اینکه برآورد می‌شود حدود ۴۵۰ میلیون مزرعه کوچک در جهان وجود دارد که دارای دو هکتار و کمتر زمین هستند (IFAD، ۲۰۰۸) که این ۴۵۰ میلیون مزرعه در حدود ۲۰۲میلیارد نفر از جمعیت جهان را شامل می‌شوند و حدود ۸۵ درصد مزارع جهان را به خود اختصاص داده (سینگ، ۲۰۰۹)، اما هیچ تعریف جهانی پذیرفته‌شده برای مزارع کوچک‌مقیاس وجود ندارد. تعریف مزرعه کوچک‌مقیاس و کشاورز خرده‌پا باید براساس معیارهایی همانند اندازه زمین، تعداد کارکنان، سرمایه و سرمایه‌گذاری باشد. معمول‌ترین معیار برای تعریف کشاورز خرده‌پا و مزرعه کوچک‌مقیاس، اندازه زمین است اما این معیار هم به دلیل تفاوت در کیفیت خاک و بارش نمی‌تواند معیار کاملی باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

فقط با ضمانتنامه نیا

اسپلیت تروپیکال – اینورتر

خدمات مشتریان

021-23 22

پنج سال ضمانت

بی قید و شرط کمپرسور

هوای شما را داریم...!

www.nia.ir